

راجع به سه شعار اصلی حزب در باب مسئله‌ی دهقانان

جواب به یان - سکی

ی. و. استالین

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بهمن ۱۳۸۶

راجع به سه شعار اصلی حزب در باب مسئله‌ی دهقانان

جواب به یان - سکی

نامه‌ی شما را البته به موقع دریافت داشتم. از این که در جواب آن تأخیری روی داده عذر می‌خواهم.

۱- لنین می‌گوید که: «عمده‌ترین مسئله در هر انقلابی، مسئله‌ی حاکمیت دولتی است» (جلد ۲۱ ص. ۱۴۲) "عمده‌ترین مسئله‌ی هر انقلابی" این است که حکومت در دست کدام طبقه یا کدام طبقات متمرکز است، کدام طبقه یا کدام طبقات باید واژگون گردند، کدام طبقه یا کدام طبقات باید حکومت را به دست گیرند.

شعارهای اساسی استراتژیک حزب، که نیروی خود را در تمام دوره‌ی مراحل مختلف انقلاب حفظ می‌کنند، هرگاه بالتمام و کاملاً به این گفته‌ی اصولی لنین متکی نباشند، نمی‌توانند شعارهای اساسی نامیده شوند.

شعارهای اساسی وقتی می‌توانند صحیح باشند که بر اصل تجزیه و تحلیل مارکسیستی نیروی طبقاتی احداث شوند، آرایش نیروی انقلابی را در عرصه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی صحیحاً طرح کنند، وسیله‌ی جلب توده‌ها را به سوی جبهه‌ی مبارزه در راه پیروزی انقلاب و در راه تسلط طبقه‌ی جدید، آسان کنند، تشکیل ارتش وسیع و مقتدر سیاسی را از میان توده‌های وسیع مردم که برای انجام این مقصود لازم است، برای حزب سهل نمایند.

طی هر یک از مراحل انقلاب ممکن است پیش آمده‌ای از قبیل شکست، عقب‌نشینی، ناکامی و بعضی اشتباهات دیگر در رویه‌ی کار به وقوع پیوندد، ولی این هنوز نشانه‌ی آن نیست که شعار اساسی استراتژیک حزب صحیح نمی‌باشد. مثلاً این شعار اساسی دوره‌ی اول انقلاب ما - « به معیت تمام دهقانان و با بی‌طرف نگاه داشتن بورژوازی بر ضد تزار و ملاکین در راه پیروزی انقلاب بورژوازی دموکراتیک ». گو این که انقلاب سال ۱۹۰۵ دچار شکست شد، کاملاً صحیح بوده است.

بنابراین نباید مسئله‌ی مربوط به شعار اساسی حزب را با مسئله‌ی مربوط به موفقیت یا ناکامی‌های انقلاب در مراحل مختلف توسعه‌ی آن، باهم مخلوط کرد.

در جریان انقلاب ممکن است چنین پیش آید که شعار اساسی حزب کار را به سقوط حکومت طبقات یا طبقه‌ی کهنه منجر سازد ولی یک رشته از درخواست‌های اصلی انقلاب، که از همین شعار بر می آید، هنوز انجام نگرفته باشد، و یا انجام آن برای یک دوره‌ی کامل دیگری طول بکشد و یا برای انجام آنها انقلاب جدیدی لازم شود، ولی هیچ کدام اینها نشانه‌ی آن نیست که شعار اساسی حزب صحیح نیست. مثلاً انقلاب فوریه سال ۱۹۱۷، تزاریسم و ملاکین را سرنگون کرد ولی به ضبط اراضی ملاکین و غیره منتهی نشد، ولی این هنوز نشانه‌ی آن نیست که شعار اساسی ما در دوره‌ی اول انقلاب صحیح نبوده است.

یا این که: انقلاب اکتبر، بورژوازی را سرنگون ساخت و حکومت را به دست پرولتاریا سپرد ولی آن‌ا کار را به آنجا منجر نکرد که: الف - انقلاب بورژوازی را به طور کلی به آخر برساند، ب - دست کولاک از روستا کوتاه گردد، و انجام این کار مخصوص را به زمان دیگری محول نمود. اما این نشانه‌ی آن نیست که شعار اساسی ما در مرحله‌ی دوم انقلاب، یعنی شعار - "به معیت تهیدست‌ترین دهقانان، بر ضد سرمایه داری در شهر و روستا و با بی طرف نگاه داشتن دهقانان میانه حال، به سوی حکومت پرولتاریا" - شعار صحیحی نبوده است.

بنابراین نمی توان مسئله‌ی مربوط به شعار اساسی حزب را با مسئله‌ی مربوط به مدت و شکل انجام مقاصدی که از این شعار استنباط می شود، با هم مخلوط کرد.

از این رو شعارهای استراتژیک حزب ما را نباید نه از نظر موفقیت‌ها و یا شکست‌های گذرنده‌ی جنبش انقلابی در مراحل مختلف، ارزش نهاد و نه به طریق اولی از نظر مدت و یا شکل انجام هر یک از مقاصدی که ناشی از این شعارها است. شعارهای استراتژیک حزب فقط از نظر تجزیه و تحلیل مارکسیستی نیروهای طبقاتی و آرایش صحیح نیروهای انقلابی در جبهه‌ی مبارزه، می توانند در راه پیروزی انقلاب و در راه تمرکز حاکمیت در دست طبقه‌ی تازه، میتوانند ارزش داده شوند.

اشتباه شما، اینست که شما این مهم ترین مسئله‌ی اسلوب شناسی را از نظر دور داشته و یا آن را نفهمیده‌اید.

۲ - شما در نامه‌ی خود می نویسد:

« آیا اظهار این نکته که ما متحداً با تمام دهقانان فقط تا انقلاب اکتبر راه پیمودیم، صحیح است یا نه؟ صحیح نیست.

شعار "اتحاد با تمام دهقانان" قبل از انقلاب اکتبر و در جریان اکتبر و در مرحله‌ی اول بعد از اکتبر بجا بود چون تمام دهقانان منافع خود را در این می دیدند که انقلاب بورژوازی به آخر رسانده شود. »

بدین طریق از این نقل قول این طور استنباط میشود که شعار استراتژیک حزب در دوره‌ی اول انقلاب (از ۱۹۰۵ الی ۱۹۱۷)، موقعی که امر واژگون ساختن حکومت تزار و ملاکین و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان در میان بود، با شعار استراتژیک دوره‌ی دوم انقلاب (از فوریه‌ی ۱۹۱۷ تا اکتبر ۱۹۱۷)، موقعی که موضوع واژگون ساختن حکومت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا در میان بود، هیچ فرقی ندارد. شما به این ترتیب فرق اساسی بین انقلاب بورژوازی دموکراتیک و انقلاب پرولتاریائی سوسیالیستی را انکار می کنید. شما از این رو مرتکب این اشتباه میشوید که ظاهراً مایل نیستید موضوعی به این سادگی را بفهمید که موضوع اساسی شعار استراتژیک عبارت است از مسئله‌ی حکومت در مرحله‌ی معینی از انقلاب یعنی این مسئله که کدام طبقه واژگون میشود و حکومت به دست کدام طبقه می افتد. گمان نمی کنم لازم به اثبات باشد که شما در این جا کاملاً دچار اشتباهید.

شما می گوئید مادام که تمام دهقانان نفع خود را در این می دیدند که انقلاب بورژوازی به آخر رسانده شود، ما در حین انقلاب اکتبر و نخستین مرحله‌ی ما بعد آن شعار "اتحاد با تمام دهقانان" را به موقع اجراء می گذاردیم. ولی آیا کی به شما گفت که تحول اکتبر و انقلاب اکتبر کارش به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بود و یا این که وظیفه‌ی اساسی خود را به انتها رساندن انقلاب بورژوازی قرار داده بوده است؟ شما از کجا این را آوردید؟ مگر واژگون نمودن حکومت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را ممکن است در چهار دیوار انقلاب بورژوازی گنجانند؟ مگر به دست آوردن دیکتاتوری پرولتاریا، بیرون آمدن از چهار دیوار انقلاب بورژوازی نیست؟ چطور میتوان گفت که کولاک‌ها (بالاخره آنها هم دهقانند) ممکن بود از برانداختن بورژوازی و افتادن حکومت به دست پرولتاریا طرفداری کنند؟ چطور ممکن است انکار نمود که تصویبنامه‌ی ملی کردن اراضی و الغاء مالکیت شخصی بر زمین و منع خرید و فروش و غیره، با این که نمی توان آن را یک تصویبنامه‌ی سوسیالیستی دانست، در حال مبارزه با کولاک‌ها انجام میشد نه در اتحاد با آنها؟ چطور میتوان گفت که کولاک‌ها (که آنها هم دهقانند) ممکن بود از فرمان دولت شوروی راجع به مصادره‌ی فابریک‌ها و کارخانه‌ها و راه‌های آهن و بانک‌ها و غیره و یا از شعار پرولتاریا راجع به تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی، پشتیبانی نمایند؟ چطور ممکن است گفت که آن چه در انقلاب اکتبر جنبه‌ی اساسی دارد، این اقدامات و نظائر آنها و برانداختن بورژوازی و استقرار

دیکتاتوری پرولتاریا نبوده بلکه به آخر رساندن مرحله‌ی انقلاب بورژوازی بوده است؟

در این بحثی نیست که یکی از وظایف عمده‌ی انقلاب اکتبر به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بوده، که بدون انقلاب اکتبر، انقلاب بورژوازی نمی‌توانست به آخر رسانده شود، همان طوری که خود انقلاب اکتبر هم بدون به آخر رساندن انقلاب بورژوازی نمی‌توانست بنیان خویش را استوار سازد و مادام که انقلاب اکتبر، انقلاب بورژوازی را تا آخر می‌رسانده است، میبایستی از جانب تمام دهقانان طرفداری شود. در تمام اینها بحثی نیست. ولی مگر بنابراین میتوان مدعی بود که به آخر رساندن انقلاب بورژوازی منتجه‌ای از انقلاب اکتبر نبوده بلکه وجود و یا هدف اصلی آن بوده است؟ پس هدف عمده‌ی انقلاب اکتبر یعنی واژگون ساختن حکومت بورژوازی، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی و سلب دارائی از سرمایه‌داران و غیره را شما چه کردید؟ و اگر موضوع عمده‌ی شعار استراتژیک عبارت است از مسئله‌ی اساسی هر انقلاب یعنی مسئله‌ی گذشتن حکومت از دست یک طبقه به دست طبقه‌ی دیگر، آیا از اینجا واضح نمیشود که مسئله‌ی به آخر رساندن انقلاب بورژوازی به وسیله‌ی حکومت پرولتاریا را نمی‌توان با مسئله‌ی سرنگون کردن بورژوازی و به دست آوردن خود همین حکومت پرولتاریائی یعنی با مسئله‌ی که در دوره‌ی دوم انقلاب موضوع عمده‌ی شعار استراتژیک است، مخلوط کرد؟

یکی از عظیم‌ترین موفقیت‌های دیکتاتوری پرولتاریا اینست که انقلاب بورژوازی را به آخر رساند و کثافات قرون وسطائی را به کلی روفت و از میان برداشت. این امر برای روستا بزرگ‌ترین و حقیقتاً قطعی‌ترین اهمیت را داشت. بدون انجام این کار، توأم ساختن جنگ‌های دهقانی و انقلاب پرولتاریائی، یعنی آن چه که مارکس در نیمه‌ی دوم قرن گذشته از آن سخن رانده بود، [۱] غیر میسر میشد. بدون انجام این امر خود انقلاب پرولتاریائی هم نمی‌توانست تحکیم یابد. ضمناً باید کیفیت مهم ذیل را نیز در نظر داشت که به آخر رساندن انقلاب بورژوازی یک عمل واحدی نیست. در واقع دامنه‌ی این کار به یک دوره‌ی کامل کشید. و نه فقط قسمت‌هایی از سال ۱۹۱۸ را، چنان چه شما در مکتوب خود ذکر می‌کنید، بلکه قسمت‌هایی از سال ۱۹۱۹ (نواحی اطراف ولگا و اورال) و از سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ (اوکرائین) را هم در بر گرفت. منظور من تعرض کلچاک و دنیکین، یعنی آن موقعی است که خطر جدید استقرار حکومت ملاکین در برابر دهقانان خود نمائی میکرد، موقعی که تمام دهقانان چون تن واحد مجبور بودند در گرد دولت شوروی به خاطر حفظ ثمراتی که این انقلاب برای آنها به بار آورده بود و برای به آخر رساندن انقلاب بورژوازی حلقه بزنند. این پیچیدگی و تنوع جریانات زندگی زنده و این بهم آمیختگی

"عجیب" وظایف مستقیماً سوسیالیستی دیکتاتوری پرولتاریا را با وظائف به آخر رساندن انقلاب بورژوازی باید همیشه در مد نظر داشت تا هم جمله‌هایی را که از لنین نقل میکنید، صحیح دریابید و هم طرز به کار بردن شعارهای حزب را در جریان زندگی.

آیا میتوان گفت که این در هم آمیختگی حاکی از عدم صحت شعار حزب در دوره‌ی دوم انقلاب بوده و این شعار تفاوتی با شعار مرحله‌ی اول انقلاب ندارد؟ نه، نمی‌توان گفت، برعکس، این در هم آمیختگی مخصوصاً شعار حزب را در مرحله‌ی دوم انقلاب یعنی شعار: به معیت تهیدست‌ترین دهقانان بر ضد بورژوازی سرمایه‌دار در شهر و روستا در راه حاکمیت پرولتاریا و غیره^۱ را تأیید می‌نماید. چرا؟ چون برای رساندن انقلاب بورژوازی به آخر لازم بود قبلاً حکومت بورژوازی را در ماه اکتبر سرنگون ساخت و حکومت پرولتاریا را برقرار نمود، زیرا فقط چنین حکومتی قادر است انقلاب بورژوازی را به انتها برساند و اما برای این که حکومت پرولتاریا در ماه اکتبر برقرار گردد، لازم بود برای ماه اکتبر ارتش سیاسی مناسبی که استعداد سرنگون ساختن بورژوازی و استقرار حکومت پرولتاریا را داشته باشد، مهیا نمود و تشکیل داد و ضمناً لازم به اثبات نیست که چنین ارتش سیاسی را ما فقط تحت شعار: اتحاد پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان علیه بورژوازی و له دیکتاتوری پرولتاریا، می‌توانستیم مهیا نموده و تشکیل دهیم. واضح است که اگر از آوریل تا اکتبر سال ۱۹۱۷ چنین شعار استراتژیکی به کار نمی‌بردیم، چنین ارتش سیاسی هم نمی‌توانستیم داشته باشیم و بنابراین در ماه اکتبر هم نمی‌توانستیم پیروز گردیم و حکومت بورژوازی را سرنگون نمی‌کردیم و لذا امکان به آخر رساندن انقلاب بورژوازی را هم نمی‌داشتیم.

ار این جهت است که به آخر رساندن انقلاب بورژوازی را نمی‌توان در مقابل شعار استراتژیک مرحله‌ی دوم انقلاب که وظیفه‌اش رساندن حکومت به دست پرولتاریا است، قرار داد.

برای احتراز از تمام این "تناقضات" فقط یک وسیله وجود دارد و آن اینست که باید به فرق اساسی بین شعار استراتژیک مرحله‌ی اول انقلاب (انقلاب بورژوازی دموکراتیک) و شعار استراتژیک مرحله‌ی دوم انقلاب (انقلاب پرولتاریائی) معترف گردید و اقرار کرد که طی مرحله‌ی اول انقلاب، ما به معیت تمام دهقانان در مسیر انقلاب بورژوازی دموکراتیک حرکت می‌کردیم و طی مرحله‌ی دوم انقلاب به معیت تهیدست‌ترین دهقانان ضد حکومت سرمایه و در راه انقلاب پرولتاریائی مبارزه می‌نمودیم. آری این را

۱ - در نسخه‌ی ترجمه شده از طرف اداره‌ی نشریات سیاسی دولتی شوروی (الخ) ترجمه شده - توضیح از هئیت تحریریه‌ی توفان

باید اعتراف نمود، زیرا تجزیه‌ی نیروهای طبقاتی طی مرحله‌ی اول و مرحله‌ی دوم انقلاب، ما را به این اعتراف وادار میکند. برعکس این صورت نمی‌توان علت این واقعه را بیان کرد که چرا تا فوریه سال ۱۹۱۷ ما کار خود را تحت شعار دیکتاتوری انقلابی - دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان اجراء میکردیم و پس از فوریه سال ۱۹۱۷، شعار دیکتاتوری سوسیالیستی پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان را جای‌گزین شعار فوق کردیم. اذعان کنید، علت تبدیل شعار اول به شعار دوم در مارس - آوریل ۱۹۱۷ از روی طرحی^۲ که شما می‌دهید، ممکن نیست روشن گردد.

این تفاوت اساسی بین دو شعار استراتژیک حزب را لنین در رساله‌ی "دو تاکتیک سوسیال دموکراتیک در انقلاب دموکراتیک" خود هم قید نموده است. او شعار حزب را هنگام مهیا کردن انقلاب بورژوازی دموکراتیک با این فرمول بیان نموده است:

« پرولتاریا باید توده‌ی دهقانان را با خود همراه کرده و انقلاب دموکراتیک را به آخر رساند تا مقاومت استبداد را قهراً منکوب و نا استواری بورژوازی را بی‌تأثیر سازد. » (جلد ۸ ص. ۹۶).

به عبارت دیگر: به معیت تمام دهقانان، با بی‌طرف کردن بورژوازی بر ضد استبداد در راه تحول دموکراتیک. و اما آن چه که مربوط به شعار حزب در دوره‌ی تهیه‌ی انقلاب سوسیالیستی است، لنین آن را با این فرمول بیان نموده است:

« پرولتاریا باید توده‌ی نیمه پرولتاریای اهالی را با خود همراه نموده، تحول سوسیالیستی را انجام دهد تا مقاومت بورژوازی را قهراً منکوب و عدم ثبات دهقانان و خرده بورژوازی را بی‌تأثیر سازد. » (در همان جا)

به عبارت دیگر: به معیت تهیدست‌ترین دهقانان و به طور کلی به معیت قشر نیمه پرولتاریای اهالی و با بی‌طرف کردن خرده بورژوازی شهر و ده، علیه بورژوازی، در راه تحول سوسیالیستی. این در سال ۱۹۰۵ بود.

۲ - در نسخه‌ی ترجمه شده از طرف اداره‌ی نشریات سیاسی دولتی شوروی (گرده‌ای) ترجمه شده - توضیح از هیئت تحریریه‌ی توفان

در آوریل ۱۹۱۷، لنین وضع سیاسی آن وقت را به شکل آمیختن دیکتاتوری انقلابی و دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان با حکومت موجود بورژوازی توصیف کرده و گفته است:

« شکل خاصی که لحظه‌ی کنونی در روسیه دارد، عبارت است از انتقال از مرحله‌ی اول^۳ * به مرحله‌ی دوم انقلاب یعنی از مرحله‌ای که چون پرولتاریا هنوز به قدر کافی آگاهی حاصل نکرده و متشکل نشده بود، قدرت را به دست بورژوازی داد به مرحله‌ای که باید قدرت را به دست پرولتاریا و تهیدست‌ترین قشرهای * دهقانان بدهد. »
(«تزه‌های آوریل»، لنین جلد ۲۰ ص. ۸۸ چاپ روسی)

در اواخر ماه اوت ۱۹۱۷، وقتی که مقدمات اکتبر به سرعت در جریان بود، لنین در مقاله‌ی مخصوص خود تحت عنوان «دهقانان و کارگران» این طور نوشت:

« فقط پرولتاریا و دهقانان* می توانند سلطنت را واژگون سازند، - این بود تعریف اساسی سیاست طبقاتی ما طبق شرایط آن روزی (منظور سال ۱۹۰۵، است - ی. استالین) و این تعریف صحیح بود. فوریه و مارس سال ۱۹۱۷ برای یک بار دیگر صحت این تعریف را تأیید کرد. فقط پرولتاریا رهبر تهیدست‌ترین دهقانان* (یا به اصطلاح برنامه‌ی ما، نیمه پرولترها) می توانند جنگ را با صلح دموکراتیک خاتمه داده، جراحات آن را مرحم نهد و قدم‌هایی را که بدون شک جنبه‌ی حتمی و فوری به خود گرفته است، به سوی سوسیالیسم بردارد، - این است تعریف سیاست طبقاتی ما، در حال حاضر. »
(جلد ۲۱ ص. ۱۲۱)

این تعریف را نباید این طور فهمید که در کشور ما اکنون دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان است. این البته صحیح نیست. ما با شعار دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان به طرف اکتبر می رفتیم و این شعار به صورت ظاهر در اکتبر اجراء کردیم زیرا ما با اس‌ارهای چپ ائتلاف داشتیم و رهبری را با آنان تقسیم کرده بودیم، ولی چون ما بلشویک‌ها اکثریت داشتیم آن وقت هم در حقیقت دیکتاتوری پرولتاریا بود. با این وصف پس از

۳ - * تکیه روی کلمات از من است. ی. استالین - (کلیه‌ی جاهائی که با *) علامت گذاری شده تکیه از رفیق استالین است).

"عصیان" [۲] اس‌ارهای چپ و پس از قطع ائتلاف با اس‌ارهای چپ، وقتی که تماماً و کاملاً به دست یک حزب یعنی حزب ما، حزبی که در رهبری دولتی هیچ حزب دیگری را شرکت نمی‌دهد و نمی‌تواند بدهد، افتاد، دیکتاتوری پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان موجودیت ظاهری خود را از دست داد. همین است آن چه که ما آن را دیکتاتوری پرولتاریا می‌نامیم.

بالاخره در نوامبر سال ۱۹۱۸ لنین، پس از عطف نظر به گذشته و طریق طی شده‌ی انقلاب، نوشت:

« آری انقلاب ما مادام که به معیت همه‌ی دهقانان راه می‌پیمائیم انقلاب بورژوازی است. این را ما از واضح هم واضح‌تر فهمیده بودیم و صدها و هزارها بار از سال ۱۹۰۵، تا کنون گفته‌ایم و هیچ وقت در صدد برنیامدیم از بالای سر این مرحله‌ی لازم جریان تاریخ به جهیم و یا با صدور تصویب‌نامه آن را لغو کنیم... ولی از ماه آوریل سال ۱۹۱۷، یعنی مدت‌ها قبل از انقلاب اکتبر و قبل از افتادن * حکومت به دست ما* آشکارا می‌گفتیم و به ملت می‌فهماندیم که اکنون دیگر انقلاب نمی‌تواند به این اکتفا کند، زیرا کشور پیش‌رفته و سرمایه‌داری به جلو قدم نهاده و افلاس به منتها درجه رسیده است و این افلاس (چه کسی بخواهد و چه نخواهد) مقتضی آن خواهد شد که گام‌هایی به جلو، به سوی سوسیالیسم، برداشته شود، زیرا از راه دیگری ممکن نیست به جلو رفت و کشور مفلوک شده‌ی از جنگ را نجات داد و از عذاب زحمتکشان و استثمار شوندگان کاست. بالاخره همان طور شد که ما می‌گفتیم. جریان انقلاب صحت قضاوت ما را تأیید نمود. اول به معیت "تمام" دهقانان بر ضد سلطنت و بر ضد صاحبان املاک و بر ضد اصول قرون وسطائی (تا اینجا انقلاب جنبه‌ی انقلاب بورژوازی و بورژوازی دموکراتیک خواهد داشت). سپس به معیت تهیدست‌ترین دهقانان، به معیت نیمه پرولتاریا، به معیت تمام استثمار شوندگان بر ضد سرمایه‌داری و از آن جمله بر ضد متمولین دهات، کولاک‌ها و محتکرین،* از اینجا انقلاب سوسیالیستی میشود. » (جلد ۲۳ ص. ۳۹۰ - ۳۹۱).

چنان چه می‌بینید لنین، به دفعات تفاوت بارز بین اولین شعار استراتژیک در دوره‌ی تدارک انقلاب بورژوازی دموکراتیک و دومین شعار استراتژیک در دوره‌ی تدارک انقلاب اکتبر را متذکر شده است. در آنجا شعار: به معیت تمام

دهقانان بر ضد سلطنت مطلق، در اینجا شعار: به معیت تهیدست ترین دهقانان بر ضد بورژوازی.

این قضیه که به آخر رساندن انقلاب بورژوازی مدتش تا یک دوره‌ی کامل پس از اکتبر به طول انجامید و مادام که ما انقلاب بورژوازی را به آخر می‌رساندیم "تمام" دهقانان نمی‌توانستند ما را تقویت نکنند؛ این قضیه، همان طور که فوقاً متذکر گردیده‌ام، به اندازه‌ی سر سوزنی منافی با این نکته‌ی اساسی نیست که ما به طرف انقلاب اکتبر به معیت تهیدست ترین دهقانان راه می‌پیمودیم و در اکتبر هم به معیت تهیدست ترین دهقانان فتح کردیم و هم چنین با این نکته مغایرت ندارد که ما عمل بر انداختن حکومت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را (که یکی از وظائف آن به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بود) به معیت تهیدست ترین دهقانان با وجود مقاومت کولاک‌ها (که آنها هم دهقان هستند) و تردید دهقانان میانه حال به انجام رساندیم. گمان می‌کنم واضح است.

۳ - شما سپس در مکتوب خود می‌نویسید:

« آیا دعوی این مطلب صحیح است که ما "با شعار اتحاد با تھی دستان روستا ضمن بی طرف ساختن دهقانان میانه حال به اکتبر رسیدیم"؟ نه، صحیح نیست. از دلائل مذکوره در بالا و شاهد مثال‌هایی که از لنین آورده شده است، دیده میشود که این شعار فقط هنگامی می‌توانست عرض وجود کند که "تفکیک طبقاتی در داخل توده‌ی دهقانی کامل شده باشد" (لنین)، یعنی در تابستان و پائیز سال ۱۹۱۸. »

از نوشته‌ی بالا این طور استنباط میشود که حزب در دوران تدارک برای اکتبر و در اثنای اکتبر در طریق بی طرف ساختن دهقانان میانه حال قدم بر نداشت بلکه پس از اکتبر و مخصوصاً پس از سال ۱۹۱۸ و پس از تشکیل کمیته‌های دهقانان تھی دست، به این راه قدم نهاد.

این به کلی غلط است. برعکس، سیاست بی طرف ساختن دهقانان میانه حال پس از تشکیل کمیته‌های دهقانان تهیدست و پس از سال ۱۹۱۸ شروع نشده بلکه در این موقع به اتمام رسید. در عمل سیاست بی طرف ساختن دهقانان میانه حال پس از سال ۱۹۱۸، الغاء گردید (نه این که معمول گشت). همانا پس از سال ۱۹۱۸، در مارس ۱۹۱۹ بود که لنین، موقعی که کنگره‌ی هشتم حزب ما را افتتاح میکرد، گفت:

« بهترین نمایندگان سوسیالیسم ایام گذشته، - موقعی که آنها هنوز به انقلاب ایمان داشتند و از راه تئوری و ایده به انقلاب خدمت میکردند - از بی طرف ساختن دهقانان صحبت می داشتند، یعنی می گفتند از دهقانان میانه حال باید آن چنان قشری درست کرد که اگر جداً به انقلاب پرولتاریا کمک نمی کند به هر حال مانع کار آن هم نباشد، بی طرف بماند و جانب دشمنان ما را نگیرد. طرح مسئله بدین شکل تئوریک و مجرد برای ما کاملاً روشن است. ولی این کافی نیست. * ما در مرحله ای از ساختمان سوسیالیستی * داخل شده ایم که باید به طور صریح و دقیق یک رشته قوانین اساسی و دستور هائی که بنابر تجربه ی کار در روستا سنجش شده باشد، تنظیم و از آن پیروی کنیم تا نسبت به دهقان میانه حال بر زمینه ی اتحاد استواری قرار گیریم،» (جلد ۲۴ ص. ۱۱۴).

چنان چه می بینید درست نقطه ی مقابل آن چه که شما در مکتوباتان می گوئید، گفته شده است و ضمناً شما در اینجا عمل واقعی و حقیقی حزبی ما را معکوس جلوه داده آغاز عمل بی طرف ساختن را با پایان آن مخلوط میکنید. دهقان میانه حال مادام که بورژوازی سرنگون میشد و مادام که قدرت شوراها استحکام نیافته بود، ندبه و زاری میکرد و بین انقلاب و ضد انقلاب مردد و سرگردان بود و لذا لازم می آمد وی را بی طرف ساخت. هنگامی که برای دهقان میانه حال یقین حاصل میشد که بورژوازی "جداً" سرنگون شده است، قدرت شوراها پا برجا میشود، کولاک را از میدان در می کنند و ارتش سرخ در جبهات جنگ داخلی به پیروزی نائل میگردد، توجهش به سوی ما آغاز گشت. همانا پس از این تغییر شکل بود که سومین شعار استراتژیک که از طرف لنین در کنگره ی هشتم داده شده، امکان پذیر گشت یعنی: با تکیه بر تهیدستان و استقرار اتحاد استوار با میانه حالان به پیش به سوی ساختمان سوسیالیسم.

چطور شما توانستید این واقعیت را که بر همه معلوم است، فراموش کنید. و سپس از مکتوب شما این طور بر می آید که، بی طرف ساختن دهقانان میانه حال در اثنای انتقال به سوی انقلاب پرولتاریائی و در روزهای اول پس از پیروزی این انقلاب صحیح نیست و به درد نمی خورد و از این جهت قابل قبول نیست. این به کلی غلط است. قضیه کاملاً برعکس آنست. همانا در اثنای واژگون ساختن حکومت بورژوازی و قبل از استحکام حکومت پرولتاریا است که دهقان میانه حال بیش از همه مردد بوده و مقاومت میکند. مخصوصاً در

همین دوره است که اتحاد با تهیدستان و بی طرف ساختن میانه حالان لازم است.

شما با اصرار در اشتباه خود مدعی هستید که مسئله‌ی دهقانان نه فقط برای کشور ما بلکه برای کشورهای دیگر هم "که از حیث اقتصادی تقریباً در کیفیت روسیه‌ی قبل از انقلاب اکتبر می باشند" حائز اهمیت بسیاری است. این قسمت اخیر البته صحیح است. ولی اینست آن چه که لنین در تزه‌های خود راجع به مسئله‌ی کشاورزی در کنگره‌ی دوم کمینترن [۳] در زمینه‌ی سیاست احزاب پرولتاریائی نسبت به دهقانان میانه حال در دوره‌ی به دست گرفتن حکومت از طرف پرولتاریا، میگوید: لنین، تهیدست ترین دهقانان یا دقیق تر بگوئیم "توده‌ی زحمتکشان و استثمار شونده‌گان دهات" را به شکل گروهی جدا کرده است که این گروه عبارت است از کارگران زراعتی، نیمه پرولترها یا دهقانانی که دارای قطعه‌ی زمین بسیار کوچک هستند و دهقانان خرده پا و سپس دربارهی دهقانان میانه حال به منزله‌ی گروه مخصوصی چنین میگوید:

« تحت عنوان "دهقان میانه حال" در مفهوم اقتصادی باید خرده مالکینی را دانست که صاحب قطعه زمین‌های مختصری به عنوان مالکیت شخصی و یا اجاره بوده که این قطعات زمین هر چه باشد در دوره‌ی سرمایه‌داری برحسب معمول نه فقط قوت لایموت خانه و زندگی آنها را تأمین میکند بلکه امکان میدهد مازاد معینی به دست آید، که میتواند اقلأ در سال‌های بهتر به سرمایه بدل گردد و چه بسا این اشخاص به اجیر نمودن نیروی کارگری دیگران نیز دست می زنند..... پرولتاریای انقلابی نمی تواند این وظیفه را در مقابل خود قرار دهد که در آینده‌ی نزدیکی و در آغاز مرحله‌ی دیکتاتوری پرولتاریا این قشر را به طرف خود جلب کند. بلکه باید به بی طرف کردن این قشر اکتفا نماید یعنی در مبارزه‌ی میان بورژوازی و پرولتاریا بی طرفش کرد. » (رجوع شود به جلد ۲۵ ص. ۲۷۱ - ۲۷۲)

پس از این، چطور میتوان مدعی بود که سیاست بی طرف کردن دهقانان میانه حال "فقط" می توانست "در تابستان و پائیز سال ۱۹۱۸" یعنی پس از پیشرفت‌های قطعی در امر استحکام قدرت شوراها و قدرت پرولتاریا "به ظهور رسد"؟

چنان چه می بینید مسئله‌ی شعار استراتژیک احزاب پرولتاریائی در اثنای انتقال به دوره‌ی انقلاب سوسیالیستی و تحکیم قدرت پرولتاریا هم مانند مسئله‌ی

بی طرف کردن دهقانان میانه حال آن طورها هم که شما تصور می کنید، ساده نیست.

۴ - از آن چه که در بالا ذکر شد، معلوم میشود شاهد مثال‌هایی که شما از تألیفات لنین می آورید به هیچ وجه نمی تواند در نقطه‌ی مقابل شعار اصلی حزب در دوره‌ی دوم انقلاب قرار گیرد، زیرا در این شاهد مثال‌ها:
(الف) از شعار اصلی حزب قبل از انقلاب اکتبر بحث نشده، بلکه به آخر رساندن انقلاب بورژوازی بعد از اکتبر مورد بحث است.

(ب) صحت این شعار تکذیب نشده، بلکه تائید میگردد. من فوقاً متذکر شده‌ام و مجبورم باز هم تکرار کنم که وظیفه‌ی به آخر رساندن انقلاب بورژوازی را، که طی دوره‌ی بعد از افتادن حکومت به دست پرولتاریا اجراء می گردد، نمی شود در نقطه‌ی مقابل شعار استراتژیک حزب در مرحله‌ی دوم انقلاب یعنی قبل از افتادن حکومت به دست پرولتاریا قرار داد که مطلب عمده‌ی آن مربوط به گرفتن حکومت است.

۵ - شما در باب مقاله‌ی معروف رفیق مولوتف "راجع به انقلاب بورژوازی در کشور ما" مندرجه در "پراودا" (مورخه‌ی ۱۲ مارس سال ۱۹۲۷) که از قرار معلوم همین مقاله، شما را "وادار کرد" برای توضیح مسئله به من مراجع کنید، صحبت می دارید. من نمی دانم شما چطور مقاله می خوانید. من هم مقاله‌ی رفیق مولوتف را خوانده‌ام و به نظر من این مقاله تضادی با آن چه که من در نطق خود در چهاردهمین کنگره‌ی حزب ما راجع به شعارهای حزب در قسمت دهقانان گفته‌ام، ندارد. [۴]

رفیق مولوتف در مقاله‌ی خود راجع به موضوع شعار اصلی حزب در دوره‌ی اکتبر بحث نکرده بلکه این موضوع را گفته است که: مادام که حزب پس از اکتبر، انقلاب بورژوازی را به پایان میرساند، طرف تمایل تمام دهقانان شده بود. ولی من در بالا گفتم که تائید این واقعه صحت این کیفیت را که ما به معیت تهیدست‌ترین دهقانان و بی طرف کردن دهقانان میانه حال حکومت بورژوازی را سرنگون نموده و دیکتاتوری پرولتاریا را بر ضد بورژوازی شهر و ده برقرار کردیم، نفی نمیکند و بدون این کار هم ما نمی توانستیم انقلاب بورژوازی را به آخر برسانیم.

"بلشویک" شماره‌ی ۷ - ۸

۱۵ آوریل سال ۱۹۲۷

توضیحات:

[۱] - رجوع شود به منتخب آثار ک. مارکس و ف. انگلس، در دو جلد - چاپ آلمانی، جلد دوم، ۱۹۴۸، صفحه ۴۳۴ - / ص. ۴

[۲] - منظور کودتای ضد انقلابی "چپ‌ها" سوسیال انقلابی‌ها در ۶ و ۷ ژوئیه ۱۹۱۸ در مسکو. کودتا در کمتر از یک ساعت سرکوب گردید. / ص. ۸

[۳] - رجوع شود به منتخب آثار و. ای. لنین در دو جلد - چاپ آلمانی، جلد ۲، صفحه ۷۵۸ - ۷۶۹ / ص. ۱۱

[۴] - رجوع شود به آثار ی. و. استالین - چاپ آلمانی، جلد هفتم، صفحه ۲۸۱ - ۲۸۹ / ص. ۱۲

www.toufan.org

صفحه‌ی توفان در شبکه‌ی جهانی اینترنت

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

پیروزی‌باد حزب طبقه کارگر ایران

www.toufan.org

صفحه‌ی توفان در شبکه‌ی جهانی اینترنت

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

پیروزباد حزب طبقه کارگر ایران